

اطلاع دارد؟ و آن جمهه را کی سپرده است؟
قسمت سوم راجع بذخایر دولتی است که در حال فاسد شدن است. من جمله دوازده صندوق جواهرات است که در جای بسیار م Roberto گذاشته شده در صورتی که رطوبت با مروارید موافقت ندارد و نزدیک بفاسد شدن است آیا دولت برای جابجا کردن و جلوگیری کردن از فاسد شدن آنها چه اقدامی کرده است که از هر حیث در جای سلامتی گذارده شود.

دیگر اینکه مقدار زیادی ذخایر دربار سلطنتی که متعلق بملت است در ایام اخیر ازین رفته؟ من جمله از خیام خانه و موزه خانه (وغیره که همینطور آمد) تا اینجا که میفرمایند) اینها چیزهایی است که بندۀ شنیده‌ام تمام اینها مطابق اصل‌سی و موم و واصل سی و پنجم واصل چهل و چهارم فانون اساسی ملک و مارکلت است و از وظیفه و کلاست که در حفظ وصیانت آن بکوشند (در اینجا بعضی از نمایندگان آن دوره گفته بودند صحیح است) مادر اینجا ساعت‌ها وقت خودمان را صرف جزئیات مبکنیم در این صورت از میلیون‌ها مال ملت نمیشود صریحت کرد (آنوقت گفته‌اند صحیح است) البته همیشه صحیح است این یک موضوعی است که آقای ارباب سوال کرده‌اند راجع باین موضوع جوابی که داده شده است آقای مشیرالدوله که در آن موقع مقام ریاست وزرائی را درآورد از اینجا بوده‌اند جوابی داده‌اند جوابش را هم بعد عرض می‌کنم آقای ارباب کیخسرو در ضمن سوالات خود تکمیل نموده از اینجا خود را برایورتی که از طرف اداره بیوتوت و ریاست بیوتوت تقدیم و زارت مالیه شده و در آنوقت خیلی تعقب شده بود که عین آن را پورت به مجلس فرستاده شود بعدها کویا عین آن را پورت به مجلس تقدیم شده بود و طبع شده بود یک نسخه از آنرا بدهست آورده‌ام آن قسمتی را که راجع بجواهرات است مطابق با یک رایری که در این قسمت میکنم بندۀ عرض میکنیم که در آن سوالات گفته شد این رایری بیوست و دو صفحه است هر صفحه هم بیوست سطر یک قسمتی هم راجع بجواهرات است و اصل رایری این است مبنی‌برای مسئله جواهرات: قسمت اول آنچه که از بدو دولت جدید برای استعمال ذات اقدس ملک و کانه ارواحناهال‌الفاده تخصیص یافته‌از همان ابتدا جمع و تحويل صندوق خانه و آقای حاج عدل السلطنه شده مسئول آن قسمت کما کان هستند قسمت دوم جواهرات خزانه‌اندرون اعم از ضبطی سابق و آنچه که در آغاز دولت جدید از بیرون برای ضبط خزانه معین شده بوده‌م در همان خزانه م Roberto خطرناک ضبط بود تام‌وفع جشن تاج‌گذاری که از آن پس‌رد شده است آیا دولت از آن جمهه چه

بدولت نداده است یک قسمت همde دیگر از جواهرات است که نزد محمدعلی میرزا نمایندگان و میباشد و در این قسمت آقای ارباب کیخسرو را درست بندۀ معنی اش را نمیدانم (بر تکل رفته که باید نتیجه اقدامات دولت در استداد معلوم شود منجمله پنجهزار قبضه تفنگ و چندین هزار فشنگ از سیصد هزار تومن قیمت داشته که متجاوز از سیصد هزار تومن قیمت داشته بوده است که آرشاک از کتابخانه دولتی هزار دار که تقریباً سیصد هزار تومن میشود هزار دار که تقریباً سیصد هزار تومن میشود فروخته است والان (یعنی در آن تاریخ که آقای ارباب کیخسرو و سوال کرده‌اند) آن کتابخانه که این کتب در آنجا مفقود شده است از دولت امریکا ادعای یازده میلیون دالر معادل ۲۹ کرور تومن غرامت میکند شاید از جمله مسموعات این ایام بندۀ این بود که همان سیزده جلد اروز ۱۴ میلیون دالر در امریکا مشتری دارد) قریب‌به‌شصت هزار تومن کتابی بوده که نزد مرحوم قائم مقام وزیر همایون سابق بوده است و بعد بدست عروسش رسیده و حتی یک جلد از آن کتب تقدیم یکی از شاهزادگان محترم شده است و این کتاب نسبتی از ناقص مانده است اینها قسمت هایی است که نتیجه آن ناقص مانده و باید در دشود هزار دنده است قسمت دوم راجع بجواهرات است اولاً در همان اوقات یعنی در سنه ۷۶ که رسیدگی شد جواهر شناسی آمد برای مساقع رسی و تشریفات سلطنتی تخصیص داده‌اند سوال میشود که آیا آن جواهرات درجه حال و کجا است؟

ثانیاً چهل و نه فقره جواهرات است که بموجب اسناد رسمی متدرجاً از خزانه خارج شده آن‌جواهرات کجا است؟

ثالثاً دوازده فقره جواهرات اخیر آن خزانه خارج شده:

تسیبیح مروایید نمره ۱ که هر دانه آن تقریباً یک مثقال وزن داشته به رشته انگشت تخمه الماس بر لیان هشت حلقه

انگشت تخمه لعل یک حلقه

انگشت تخمه زمرد یک حلقه

انگشت تخمه یاقوت دو حلقه

انگشت تخمه فیروزه یک حلقه

تکمه الماس بر لیان که یازده قیراط وزن داشته یک قطعه

سنحاق الماس یک قطعه

ساعت طلای مررصع و ساده دو قاب

نشانهای مررصع دو قطعه

قوطی عینک طلا دو قطعه

آیا اینها درجه حال و کجا است؟

همچنین شنیده‌می شود در ظرف سنوات

اخیر یک جمهه از جواهرات ایران در یکی از بازگشایی سویس با اسم عباس نام امانتا

سپرده شده است آیا دولت از آن جمهه چه

مجلس هم در دوره چهارم تقدیمیه این موضوع مورد دقت و معاشر عبیق نمایندگان واقع گردیده و در این قسمت آقای ارباب کیخسرو و چهل نفر از نمایندگان محترم تعقیب کرده اند لازم است اصل سوال آقای ارباب کیخسرو را برای اینکه خاطر محترم آقایان نمایندگان کامل مسبوق شود قرائت کنم که از صورت مجلس سابق گرفته شده است. این موضوعی را که من میخواهم در اووارد شوم (سابقاً گفته بمشد تاراج ذخایر ایران) این مجموعی را که من میخواهم در اووارد تاراج جواهر ایران (امروز گفته بشود) فروش جواهر ایران پس لازم است مقدمتاً خاطر محترم آقایان کامل مسبوق بشود. آقای ارباب کیخسرو در تعقب آقای ارباب کیخسرو و سوال از شروع مذاکراتی که در مجلس جریان داشته است شروع بمناکره گرده‌اند میفرمایند اگر چه آقای کتابخانه که این کتب در آنجا مفقود شده است از دولت امریکا ادعای یازده میلیون دالر معادل ۲۹ کرور تومن غرامت میکند شاید از جمله مسموعات این ایام بندۀ این بود که همان سیزده جلد اروز ۱۴ میلیون دالر در امریکا مشتری دارد) قریب‌به‌شصت هزار تومن کتابی بوده که نزد مرحوم قائم مقام وزیر همایون سابق بوده است و بعد بدست عروسش رسیده و حتی یک جلد از آن کتب تقاضیم یکی از شاهزادگان محترم شده است و این کتاب نسبتی از ناقص مانده است اینها قسمت هایی است که نتیجه آن ناقص مانده و باید در دشود هزار دنده است قسمت دوم راجع بجواهرات و هم راجع بتمام ذخایر بیوتوت سلطنتی است که تمام متعلق بملت است اینکه آقای حاج شیخ اسدالله اظهار فرمودند که شخص جواهر شناسی آمد و صورت برداشت شاید از نظر معروف موده‌اند که درسنه ۱۳۲۷ از طرف ملت نظرات داشتند در این بود هم راجع بجواهرات و هم راجع بتمام ذخایر بیوتوت خان نواب و چند نفر بمناکره گرده‌اند میفرمایند اگر چه آقای حاج شیخ اسدالله مسئله‌را بطور اختصار بیان فرمودند از سوال بندۀ منحصر بجواهرات ندارم بعد عرض می‌کنم.

رئیس-آقای صباء‌الاعظین (اجازه) حاج سید‌المحققین - بندۀ در دستور عرض دارم. رئیس-آقای صباء‌الاعظین (اجازه) صباء‌الاعظین - بندۀ در دستور عرض دارم. رئیس-آقای آشتیانی (اجازه) آشتیانی - بندۀ در جلسه قبل بتوسط تلفن اطلاع داده بودم که غیبت بندۀ بواسطه کمالت بوده و در اینجا غایب بی اجازه نوشته‌اند. رئیس-اصلاح میشود. رئیس-اصلاح میشود - در موضع استقرار شعبه اینجا یک اشتباہی دست مطالب موقوفه ایست که درسنه ۱۳۲۷ مطابق قراردادی که بین ملت و شاه مخلوع شد از قراریکه می‌شونیم بموضع اجر اگذاره نشده و آن از این قرار است اولایک قسمت است و قدرش بیش از ۱۳۲۷ می‌باشد که غیره بیش از ۱۳۲۷ می‌باشد و در جلسه قبل بتوسط تلفن اطلاع داده بودم که غیبت بندۀ بواسطه کمالت بوده و در اینجا غایب بی اجازه نوشته‌اند. رئیس-اصلاح میشود. رئیس-اصلاح میشود - خیر در صورت جلسه داده بود که با آقایان عرض میکنیم و اصلاح بفرمایند: اسم آقای سردار سیه در شب عرض سوم فرایت نشد. در شب عرض سوم باید اسم ایشان نوشته شود و اسماً آقای حاج آقا اسعبیل میرود بشعبه چهارم. آقای صدق‌السلطنه کادر شب عرضه بیش از ۱۳۲۷ می‌باشد میروند آقای داور که در شب عرضه پنجم بودند میروند بشعبه ششم. آقای آصف‌المالک بتوسط مصوبیت وارد تقدیم شد. آقای آصف‌المالک بتوسط مصوبیت وارد تقدیم شد. آقای آصف‌المالک بتوسط فرمایند: اسم آقای سردار سیه در شب عرض سوم فرایت نشد. در شب عرض سوم باید اسم ایشان نوشته شود. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) رئیس-تصویب شد. آقای صباء‌الاعظین داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک داشتند (باتفاق قیام نمودند) آقای حاج شیخ اسدالله می‌باشد که در نزد مختار الدوله یکی از ملازمه و همراهان شاه مخلوع بوده و هنوز تسليم دولت نکرده است. آقا باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک را تصویب می‌کنند فیاض فرمایند. آقای باینکه یک هفته مرخصی آقای آصف‌المالک تصویب شد. آقای آصف‌المالک

است و همچنین برای کارهای مجلس تمام ماشین هایش تهیه و خریداری شده است عرض کردم .
یکی از اینها یک دستگاه ماشین است که فقط برای طبع تمبر که خود کار گذاران وزارت مالیه هم قبلاً مذاکره کرده بودند و در هیئت رئیسه هم مذاکره و تصویب شده بود تهیه شده است .

اعتبارش راهم در سنه گذشته برای خرید مجلس داده بود خریداری هم شده است این اعتبار پیش‌بینی شده برای مخارج این اجتناس است که داده‌می شود و بعضی نواقعی دیگری هم داشته است که اعتبار سابق آنرا کفایت نمی‌کرده است راجع بمقابله دیگر که فرمودند البته خودشان بهتر می‌دانند که مقابله دیگر هر کدام در حمود معنی لوازم دارند که بتوانند در آن حدود معین کار کنند و عوایدشان هم از روی همان زمینه است اینجا در حدود ضروریاتی که در نظر گرفته شده لوازم تهیه شده است عواید آن هم در مقابل همان است.

بنده در ضمن آن توضیعی که قبلاً عرض کردم در جواب آقای عادل‌السلطنه مینه شده که در سنه گذشته ماقبل در مقابل سه‌چرخ همان سه‌چرخ شکسته که آورده این تمیز کرده‌ایم بیست و چهار هزار تومان و خورده عایدی داشته‌ایم و از این مبلغ تقریباً ۱۲ هزار تومان مخارجش بوده و ۱۲ هزار تومان و خورده عایدی مطبوعه بوده است کمان میکنم از روی هر قاعده تجارتی که محسوب شود یک عایدی که آن عایدی بیش از اصل اساس باشد ضرری را متوجه نمیکند. پس از همین نظر می‌شود از برای آن‌یه یک نظری اتخاذ کرد این نظر کلی بود. حالا اگر مجلس موافق نباشد که اصلاح مطبوعه داشته باشد آن دیگر مربوط بینده نیست آن بسته بنظریات خود مجلس

است هر طور ده مجلس صلاح بلدانه دودستور
بدهد البته مباشرین مجلس رفتار خواهند
کرد و مکلف بازجامش هستند
رئیس-آقای سردار معظم

سندار معظم-مناسفانه جوابهایی که آفای ارباح بخسرو فرمودند بنده را قاتع نشکرد یعنی آن توضیحاتی که من در نظر داشتم داده نشده البته خود بنده هم نظر باشیم که افتخار عضویت مجلس و همچنین افتخار عضویت هیئت رئیسه را داشتم و نایب رئیس بودم از جریان کار اطلاع کامل داشتم و دارم و می دانم یک مطبوعه بود و اسمش مطبوعه دولتی بود بالاخره در هیئت رئیسه تصویب شد که این مطبوعه به مجلس تخصیص من داده شود که رفع حواجز مجلس را بکند و از طرف دیگر این نکته راهنم باید درنظر داشت که ماحتی الامکان برای مصارف مؤسسات در پودجه مجلس در انتظار مردم نباشد ارقام

نحوه مان نظری که مجلس شورای ملی
گرفته و در هیئت رئیسه هم سابقاً مذاکره
شده بود مطابق صلاح دید خود کار گذاران
مالیه لوازم آن راهم تهیه کرده ایم که رفع
این اختیاج هم از دولت بشود و بطور کلی در
مه مطالب گذان میکنم که آفای سردار
معظم بقدرتی که میخواهم توضیح بد-ه-م

خوب است آقای ارباب کیمسرو توضیح بدهنند که آن مطبعه بزرگی که در نظر گرفته‌اند خریداری شده؟ و وارد شده؟	دیبازا نداریم	خدشان کاملاً اصراع داشته باشد و پسون خدشان مطلع هستند بنده بیش تراز این توضیح نمیدهم و البته اگر ایشان منعه‌رد دیگری داشته باشند میفرمایند تا بعد بنده اگر توضیحی دارم عرض میکنم.
و این اعتبار برای اعتبار همان مطبعه است؟		رئیس - آقای ضیاءالواعظین (اجازه)
یا اعتبار برای مطبعه فعلی مجلس نست ا		ضیاءالواعظین - بنده موافقم.
اگر برای قسم دوم است که این رقم خبلی		(اجازه)
زیاد است و راجح بمسئله و سمت دادن		رئیس - آقای دست غیب. (اجازه)
مطبعه‌هم با آن شکلی که شنیده‌ام آقای ارباب		حاج سید محمد باقر دست غیب - بنده هم موافقم.
در نظر دارند در آن باب هم بنده یك		رئیس - آقای ملک الشعراه (اجازه)
نظریاتی دارم که اگر توضیح دادند عرض		لووازمه لشیان.
خواهم کرد.		
رئیس - آقای ارباب کیمسرو		
(اجازه)		

ارباب کی خسرو - اینجا یقین است که
آقای ملک الشعر اعداست توجه نفر موده آنده
با قلام آن اینجاییک قلم ساهزار تومن است
اعتبار برای مرکب و روغن و نفت و صابو
و زلاتین مطبوعه است بعد سوخت زمستانیش
است ششصد تومن و آن قلم عده اش د
فقره است یکی اعتبار فوق العاده است سه هزار
تومن و یکی بیستهزار تومن که اینجا در
حاشیه هم توضیح داده شده است برای
کرایه و مخارج و زواید اشیا
اولاً سه هزار تومن که اینجا اعتبار
گرفته شده است و سال گذشته هم اعتبار
گرفته شده بود (البته همه اش اعتبارات است
منتهاً یک اعتباری است که همه اش د
می شود پیش بینی کرد و اسم بردو یک
ملک الشعراء - بنده با مطبوعه مجلس
از ابتداء دوره گذشته موافق بودم و البته
موافق منهم ابتداء از نقطه نظر عقیده و
نظریاتی بود که آقای سردار معظم مکرر
اظهار کرده بود بنده هیچ عقیده نداشتم که
مجلس یک مطبوعه داشته باشد و آن مطبوعه
داخل کسب و معاملات بشود بنده این را
از ششونات مجلس دور میدانستم ولی وقتی
بعیران افتخار البته نمی شود گفت که از این
جزیران باید صرف نظر کرد برای اینکه یک
مطبوعه است و کارهم می کند و ضرری هم
برای مجلس ندارد مقصد بنده از این
هر این در فقره دوم است .
در فقره دوم یک اعتباری برای مصارف
وانایه سالیانه مطبوعه مجلس ذکر کرده اند
که رقم آن بنظر بنده خیلی زیاد می آید
بیست و ششهزار و نهصد تومن در سال
می باید توضیح بدهند که از این

اعتباری است که نمی شود پیش بینی
کرد . مثلاً این سی هزار تومان اعتبار برای
موقعی است که کارگران فوق العاده کار
میکنند خود آقای ملک الشعرا عیمی دانست
که باید در مقابل کار فوق العاده فوق
العاده بآنها داد چون در مقابل کار فوق
العاده هواید فوق العاده هم دارند پس می
ماند بیست هزار تومان این ۲۰ هزار تومان
هم چنانچه در حاشیه هم توضیح داده شد
است برای کرایه و مغارج لوازمی است که خر
شده . اما حروف و این چیزهایی که فرمود
هیمن قسم است که فرمودند البتہ حروف
می ساید باز هم ممکن است که جایش خریدو
کردد . ولی ماشین آلات غیر از این است
و ای تمام کارهای . که برای دولت لازم بود

بیکن نظر را روزانه شورا نمایند که از برای
کدام مصارف و چه اثایه است
اگر بخواهیم از نقطه نظر مطابع معمولی
که فعلاً در طهران و در ایران است نگاه
کنیم این رقم خیلی زیاد بنتظر می آید برای اینکه
بعساب امروز این مبلغ قیمت پیکدستگاه مطبوعه
است پس باید توضیح داده شود که این
بیست و شش هزار و نهصد تومان بمصرف چه
اثایه خواهد رسید

زیرا اثایه مطبوعه غالباً آهن است و
دوام می کند و لازم بتجددید و عوض کردن
در هر موقع و در هر سال نیست فقط قسمی که
باید عوض شود قسم حروف است
حروف هم مطابق اطلاعاتی کداریم
وقتی که دوخروار حروف که حدداً کثیر قیمتی
هزار و دو هزار با هزاده بانصد تومان . ساعه
تنیز

رئیس آقای سردار معظم
سردار معظم خراسانی :
می کنم یکی از آقایان توضیع
مقصود از تأسیس مطببه در مجده
تایید عقیده خودم را عرض کنم .
رئیس - آقای ارباب
(اجازه)

د صد و دو هزار با کشیریت
بیب شد بالفعل تنفس
جلسه تشکیل و بودجه
شود و کمیسیون خارجه و
فلسهه ای تنفس

بروز میگیرد و باید مراجعت شود
برای اینکه در موضع کاملاً اطلاع
شده است خودشان بکی از اشغال
که کاملاً موافق با تأسیس مطبوعه
اینکه در تأسیس مطبوعه در مجلس
مجلس شده باشد بعد از اینکه ایران
هیئت رئیسه تصویب شد و اداره
اعدام کرد نظر براینکه کارهای
کفایت مطبوعه مجلس نبود ایران
های خارج هم قبول می نمودند و
که این جامی شود در مقابلش هم یا
باشد باشد در موقعی که خواسته
آلات فعلی را بیاوریم ماشین آلان

که برای دولت تقریباً هشتادهزار
شده بود کارش بجهاتی رسیده بود
دست با آن دست گشتن عبارت شد
نه تنها ماشین شکسته که یلک اجاره
با آن می‌بستند و آن اجاره هم هیچ
دولت نمی‌شد و دولت نمیتوانست رز
خودش را از آن مؤسسه بکند از
این ماذین آلات نقل شدرو باینج
گذاشت و دولت هم خواست از این
کنندیک قسمت کارهای خودش را
می‌فرستاد و همین باعث شد که دولت
که جون مجلس یک مطبعه را دایا
است آن را تکمیل کند که خورد
رفع حواستانچ دولت هم بشود از همه
در مجلس گذشته همین مسئله طر
مجلس گذشته تصویب کرد تکمیل
بنابراین همان نظر هم اقدام شد
شرحی هم که در جواب آقای عما

درسه جلسه قبل عرض کردم در واقد نقطعه نظر اقتصادیش ایشان سؤا در مقابل سؤال ایشان جواب داد معلوم شود از وقتی که شروع شد خرج و دخل آن چه بوده و چه عواید است ولی شاید چنانچه در ضمن مذکور از جلسات گذشته اینجا گفته مجلس شورای ملی یعنی مطبوعه در مجلس برای تجارت نیست (این اصل را بگیرند) اما گمان میکنم مجلس ملی باید چندچیز را در نظر بگیرد اینکه استناد و کارهای دولت به تراکم که بواسطه مطبوعه خودش طبع شود و اسرار دولتی محفوظ بمانند یکی های عمدہ که حقیقتاً شرم آورد بود و چه ممکن بود مالیه دولت حفظ شود ا

حقوق کار کنان
۹ نفر ۲۲۳۶۰
بیمه است
اعتنی و انتشار سالانه
قرآن
باشرین مجلس داده
افق فقرات (۱) و
نه هزار و دویست
س و اثاثیه و کرایه
۱۳۰ مطبوعه مجلس
قوق و مخارج ۱۲
اموندند)
۰۰ ماده اول
راشت شد)

آفای اقبال الملک او
ورقه نعداد نمودند
رئیس - عده هد
هشتاد و هفت رأی تو
داده می شود بعد از ته
مطبه م مجلس مطرح
هم باید انتخاب شو
(در این موقمه)
آفای نظر باشتر هم هست .
آقا میرزا سید حسن خان رفیم -
مقصود بنده این است که ضبط هوا یا داشتاره
لازم ندارد .
رئیس - آفای آقا سید یعقوب هم
موافقند ؟
آفاسید یعقوب . یلک عرضی دارم .
رئیس - راجحه باز ادمست که آقام
و در تعنت نظر باشتر هم هست .
آفای نظامنامه آفای ضباء
گر حق سؤال ندارند .
اعظین . ولی هنوز بینده جوابی
سؤال خود باقی هست
سبت با آفای ضباء الاعظین
که خبلی هم مسامعه قائل
شکنکه نابغه چنین سؤالی نشده
اضمی هم شد برای این بود که

فاسید یعقوب (اجازه)	زعمیم فرمودند؟
یعقوب - بنده تقاضا میکنم	آفاسید یعقوب - بلی برای خاطر ایشکه
رازا جزو دستور قرارداده و مقدم شد	آقای زعیم مستحضر شوند عرض می کنم در دوره چهارم یک عبارتی نوشته شده بود که آن عبارت را اکثریت مجلس پس از آنکه بودجه مجلس کذشت ملتفت شدند و آنرا تغییر دادند و این بودجه که فعلانو شتله شده است مطابق همان بودجه است که زیر دوره چهارم تصویب شده و این عبارت هم از روی عبارتی است که در آن دوره اصلاح کرده اند عرض کردم در آن دوره پس از تصویب بودجه ملتفت شدم که آن ترتیب درست نیست اکثریت مجلس آن ترتیب را بهم زدند و اصلاح کردند این را خواستم به مجلس عرض بودجه مجلس از ماده سوم
قا میرزا شهاب الدین وم دا بشرح ذیل رائت نمودند)	اقای زعیم فرمودند؟
مجلس شورای ملی اجازه باغ بهارستان در جزو جمع رسوپ شوده	آقای زعیم مستحضر شوند عرض می کنم در دوره چهارم یک عبارتی نوشته شده بود که آن عبارت را اکثریت مجلس پس از آنکه بودجه مجلس کذشت ملتفت شدند و آنرا تغییر دادند و این بودجه که فعلانو شتله شده است مطابق همان بودجه است که زیر دوره چهارم تصویب شده و این عبارت هم از روی عبارتی است که در آن دوره اصلاح کرده اند عرض کردم در آن دوره پس از تصویب بودجه ملتفت شدم که آن ترتیب درست نیست اکثریت مجلس آن ترتیب را بهم زدند و اصلاح کردند این را خواستم به مجلس عرض بودجه مجلس از ماده سوم
از نماینده گان - خبر)	آقای زعیم فرمودند؟

ای ذعیم . اجازه)	بگذشت هم گذشت مخصوصاً برای همین مسئله که عواید باغ بهارستان باجازه اداره مباشرت مجلس بیاید .	کنم اصلاحی که در دوره چهارم پیشنهاد شد و با کثیریت هم گذشت مخصوصاً برای همین مسئله که عواید باغ بهارستان باجازه اداره مباشرت مجلس بیاید .	بگذشت هم گذشت مخصوصاً برای همین مسئله که عواید باغ بهارستان باجازه اداره مباشرت مجلس بیاید .
(ا)	رئیس - آقای ... سر کشیک زاده . رئیس - بسته با مجلس مخالفتی ندار (بعضی ک رئیس - در کلیا هست یا نه ؟ (گفتند) رئیس - رأى گر در مواد آقایانی که ت فرمایند .	رئیس - تصویب شد در کلیات مخالفتی نیست ؟ (اظهاری نشد) ، رأى گرفته میشود بقانون بودجه پکساله سیچاقان ییل مجلس که مشتمل است بر سه ماده آقایانی که تصویب میشوند و فرقه سفید وال اورقه کبودخواهند داد . ارباب کیخسرو اجازه میفرمایند . رئیس - بفرمائید .	رئیس - تصویب شد در کلیات مخالفتی نیست ؟ (اظهاری نشد) ، رأى گرفته میشود بقانون بودجه پکساله سیچاقان ییل مجلس که مشتمل است بر سه ماده آقایانی که تصویب میشوند و فرقه سفید وال اورقه کبودخواهند داد . ارباب کیخسرو اجازه میفرمایند . رئیس - بفرمائید .
(ا)	ارباب کیخسرو . اینجا ۱۴ گزینه از طرف اداره مباشرت در حاشیه بودجه توضیح داده شده است اما بنده اینجا ناگزیرم تذکر بهم دو موضوع را . اول اراجع بقراری نمایند کان اگر ...	ارباب کیخسرو . اینجا ۱۴ گزینه از طرف اداره مباشرت در حاشیه بودجه توضیح داده شده است اما بنده اینجا ناگزیرم تذکر بهم دو موضوع را . اول اراجع بقراری نمایند کان اگر ...	ارباب کیخسرو . اجازه)
			ای ارجاع . بنده در این قسمت صورت کردم ایشان مخالفتی

است لایینجا یک کصد و بیست و پنج نفر بیشنهاد
کرده اند ممکن است دریک برج کمتر و در
یک برج بیشتر از آن حدودی که مجلس
تصویب کرده است بشود برای اینکه اشکالات
مالی پیش نماید استدعا دارم بهمین عنوان رأی
گرفته شود . یعنی اگر دریک برج کمتر
گرفته باشد و دریک برج زیادتر کلبه از روی
صال باشد و از روی دوازده ماده رأی بدنهند
که تولید اشکال نکند . یکی هم راجع
بکار کنان اداری اینجا است که همین قسمی
که تند کرداده شده است برای اینکه فاون
استخدام کارکنان مجلس نگذشته بود آمید.
واریم که زودتر بیشنهاد بشود و بگذرد البته
در موقعیکه بیشنهاد می شود اگر تفاوتی
حاصل بشود آن تفاوت علاوه بیشنهاد
خواهد شد .

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمده و
معطیه مجلس شورای اسلامی
قران .
فقه .۲ مصارف
معطیه مجلس ۱۹۰۰

ن مخالف نبودند بنده
 فقط اصلاحی بیشنهاد
 طلب با آفای رعیم) اینجا
مد که این عواید جزو جمع
این نظر نوشته شده است
.

جازه)
ده موافق و فرمایش آفای
، نبرد گذشته از اینکه
ا عبارتی هم بنظر من
۱، اگر مقصودشان این
نظارت اداره مباشرت
و در تحقیقات اداره مباشرت
بن هم مطابق تکلیف
بمارت هم خبلی خوبست

تشکیل دادم.
ما جلساتی تشکیل ندادیم که جلسات سری و محترمانه باشد هر وقت جلسه خصوصی بوده است بتمام آفایان اطلاع داده ایم (جمعی از نایندگان - صحیح است) حالا اگر چندنفر از آفایان تشریف نیاورده اند تصریف بنه نیست اگر ایشان سراغ دارند که جلسه محترمانه بدون اطلاع آفایان تشکیل شده است ممکن بود در درخارج بنه بفرمایند تا تحقیقاتی بکنیم اگر همچویزی باشد البته بورد مؤاخذه است.

آفای حاج عز العمالک . (اجازه)

حاج عز العمالک - بنه خیال می کنم تصدیق اینکه آفای رئیس مراعات نظامنامه را کامل می فرمایند این مسئله یک چیزی است که طرف اتفاق آفایان نایندگان محترم است و بنه خود را کوچکتر از آن می بینم که در این باب تصدیق کنم برای اینکه همه آفایان نایندگان موافقند در اینکه آفای رئیس همیشه مراعات بی طرفی و نظامنامه داخلی را کرده اند و تا کنون هم خلاف ترتیبی دیده نشده است (صحیح است) و هرچه بخود مربوط بخود مجلس شورای ملی است در اینصورت بنه مذکور را دیگر لازم نمیدانم (صحیح است)

نصرت الدوله - بنه اجازه می خواهم توضیحی راجح بمسئله نفع هر ض کنم مدرسه - راجح به کمیسیون بنه تو پیشی دارم آفای سید یعقوب - در مسئله کمیسیون بنه تو پیشی دارم آفای ملی کمیسیون نایندگان - می فرمایند هر ض کنم رئیس - جلسه بعد راه هر وقت پیشنهاد می فرمایند بفرمایند آفای دار (اجازه)

آفای اعلی اکبرخان داور - خوب است روز بجهش به ازیرای انتخاب کمیسیونها مجلس بشود کمیسیونهارا انتخاب کنیم رئیس جلسه آتیه روز بجهش به دستورهم انتخاب کمیسیونها

(جمعی از نایندگان - صحیح است) نصرت الدوله - بنه تو پیشی دارم رئیس - هفت هشت نفر اجازه خواسته اند ممکن است توضیح را بگذارید برای جلسه دیگر.

(بعضی از نایندگان - صحیح است) مجلس نهم ساعت بعد از ظهر ختم شد (می خواهد این قانون را در دو جلسه می خواهد) رئیس - می خواهد این قانون را در دو جلسه می خواهد

شب یکشنبه شب سه شنبه و شب چهارم است و تصدیق می کنند که دولت آمریکا و بندۀ عرض می کنم که دریکی از شهای ماه رمضان در توی تالار نشسته بودیم نه تنها بندۀ شاید اشخاصی که ناجرم هم بودند نشسته بودند یکوقت دیدم بیشخدمت آمد در اطاق گفت آفایان یاشوید بروید بروید جلسه تعطیل است !!!

درواقع همان معامله ای را که یک زمان اتابکان نیست بیک اشخاصی که می رفتند در خانه اتابکان با آنها معامله می کردند (نهمه بین نایندگان)

بعضی از نایندگان - اینطور بود مصدق السلطنه - چرا بود حالا که اینطور است پس منهم اخطار نظامنامه ندارم .

رئیس - عرض می کنم آن اخطار اوشنان که اخطار قانون اساسی بود اخطار قانون اساسی بینه در مربوط نیست چون در نظامنامه گفته شده است که اگر از نظامنامه تخلف شود اخطار می شود .

اما درخصوص قسم سوم که راجح بمسئله نفع بود آنهم راجح به شخص بنه نیست .

مدارس - آنرا بنه اجازه خواسته ام .

نصرت الدوله - آن را بنه جواب خواهم داده .

رئیس - او را بعد خودتان خواهید فرمود .

قسمت دومن راجح به تشکیل کمیسیونها است .

تشکیل کمیسیونها دست بنه نیست که اگر کمیسیون انتخاب نشود مسئله اینکار باشم تکلیف بنه این است که راجح به انتخاب کمیسیون بعرض مجلس بر سازمان هر گاه مطلب صلاح دانست انتخاب بیکند اگر انتخاب نگردد بنه آنطور رئیس که ایشان فرمودند نیستم که اینکار باشم آفایان یک مرتبه باشند که توانم تعمیم باشند که بتوانم اگر دیگر در در مقام داشته باشند که بتوانم آنرا هم بفرمایند جلسات را تعطیل کرد

اما اگر ماهیم یک نایندگان هستم که خدم آفایان هستم

بنده یک مطلبی را بر عرض مجلس می داشتم انتخاب شده ایم که حق شرک در کارهای عمومی و مملکتی را دارم اگر تصویب نشد اجراء بنده یک اخطار دیگر عرض می کنم و نمی شود .

راجح بستورهم همانطور که خودشان

نه کرده اند در ماده ۱۱۰ نوشته شده است

مجلس مراجعتی می شود و هر طور مجلس

تصویب کرد همان ترتیب رفاقتاره شود

اینجا بنه کمان می کنم در آخر هر رسانیدام و سوال کردم که اگر تصویب نشد اجراء

می شود .

آن این است :

نظامنامه مجلس در ماده ۱۱۱ میگوید

رئیس قبل از اینکه جلسه را ختم نماید در

جلسه معرفت محفوظ از اینکه

باشند یاری می باشند

جلسه سیام باشد زنگبار باشد حیث باشد

می ناید دستوری که باین ترتیب فرار گذاشته است در دستورهای رسی

می ناید که این دستور خودش را از دولت ارائه داده است اینکه

از حدود نظامنامه تغایر نکرده است

بعضی از نایندگان - صحیح است)

با وجود این بسته برای مجلس است

و جلسات مجلس را پس کمان می کنم

و مجلس هم مصالح انتخابی داشتند

اما آن جلسه راه که ایشان فرمودند

میگذرد چنانچه

که بنه اینکه

میگذرد چنانچه

که بنه اینکه